A review of Farsi pronunciation in the subcontinent

Md. Kamal Hossain

Abstract

There are about 8000 languages in the world. Farsi is one of them. This language is used in Iran, Afghanistan and Tajikistan today. The Persian language used to be the official language in the Indian subcontinent for about 600 years. There are many differences between the Persians of the Indian subcontinent and the Persians of other regions. Language is always changing. The Persian language has not changed in this subcontinent of India, but they adhere to the Persian language of ancient Iran, there are four of the many factors in which this change is observed. Many writers from the 7th century AH until today have mentioned these differences in their writings. From Shams al-Din Muhammad Qays, a writer of the 7th century AH who studied during the reign of Atabak Abu Bakr bin Saad Zangi (628-652) to Khaja Nasir al-Din Tusi is one of the Persian writers of the 7th century AH and Shams bin Saeed Fakhri Isfahani. In the same way, many writers have explained in their writings about unknown vowels at the end of words, suffixes, before maqsor, nun gunnah and other various things that have many differences between Iran and the subcontinent. For this reason, all Persian books, whether here or in India, have been written in compliance with the above rules. At the same time, late Iranian writers, in writing their books, have mentioned the oldness of this rule and the newness of this rule.

Key Words: Persian language, Indian subcontinent, wa or ya unknown, ha at the end of the word, suffix before maksor, nun gunnah.

Dhaka University Journal of Persian (Special issue on the occasion of 50 years of Independence of Bangladesh and centenary celebrations of Dhaka University and the Department of Persian Language and Literature), Year: 6, Volume: VII, pp. 77-90, 2022, Dhaka, Bangladesh. ISSN: 2791-0679
مجلهٔ فارسی دانشگاه داکا (شمارهٔ ویژهٔ به مناسبت پنجاهمین سالگرد استقلال بنگلادش و صدمین سالگرد دانشگاه داکا و گروه زبان و ادبیات فارسی)، سال: ۶، شماره: ۷، ۲۰۲۲م.، از صفحه ۷۷ تا ۹۰

مروری بر تلفظ فارسی در شبه قاره

محمد کمال حسین*

چکیده

حدود ۸۰۰۰ زبان در جهان وجود دارد. فارسی یکی از آنهاست. این زبان در ایران، افغانستان و تاجیکستان امروزی استفاده می شود. زبان فارسی در شبه قاره‌ی هند به کار می‌رفت. زیرا زبان فارسی حدود ۶۰۰ سال در این کشور زبان دولتی محسوب می‌شد. بین پارسی شبه قاره هند و پارسی نواحی دیگر تفاوت‌های زیادی وجود دارد. زبان همیشه در حال تغییر است. زبان فارسی در شبه قاره هند تغییری نکرده است بلکه به زبان فارسی ایران کهن وابسته است چهار مورد از بسیار مواردی که این تغییر در آنها مشاهده می شود، وجود دارد. بسیاری از نویسندگان از قرن هفتم هجری تا به امروز در نوشته‌های خود به این تفاوت‌ها اشاره کرده‌اند؛ از شمس‌الدین محمد قیس، نویسنده‌ی قرن هفتم ه.ق که در زمان سلطنت اتابک ابوبکر بن سعد زنگی (۶۵۲-۶۲۸) به تحصیل ادبیات پرداخت و خواجه نصیرالدین طوسی از نویسندگان پارسی قرن هفتم ه.ق و شمس بن سعید فخری اصفهانی. همین‌طور بسیار نویسندگان در نوشته‌های خود شان درباره واو یا یای مجهول، های آخر کلمه، لاحقه(پسوند) نده ما قبل مکسور، نون غُنه و دیگرچیزهای گوناگون توضیح داده که بین ایران و در شبه قاره تفاوت‌های زیادی دارد. به همین دلیل تمام کتاب‌های فارسی، چه در اینجا و چه در هندوستان، با رعایت قوانین فوق نوشته شده است. در عین حال، نویسندگان متأخّر ایرانی، در تألیف کتاب‌های خود، به قدمت و تازگی این قواعد اشاره کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: زبان فارسی، شبه قاره هند، واو یا یای مجهول، های آخر کلمه، لاحقهٔ نده ما قبل مکسور، نون غنه.

سخن آغاز

اهالی زبان برای تلفظ زبان مادری خودشان از یک روش و کیفیتی خاص بهره می برند. اگرچه کیفیت تلفظ آن زبان یا استفاده از آن روش و حالت خاص برای افراد خارجی به

* معلم پاره وقت، موسسه زبان های نوین، دانشگاه داکا، بنگلادش. Email: suvrosakal@gmail.com

صورت کامل و دقیق غیرممکن نیست، اما دشوار است؛ هرچند تسلّط بر برخی بخش‌های آن زبان در نتیجه‌ی تلاش‌های سطحی امکان‌پذیر است. با این‌همه زبان همیشه در حال تغییر است و تسلّط بر دگرگونی‌های زبان اصلی اصلاً آسان نیست.

فارسی زبان مادری شبه قاره هند نیست، امّا به دلیل فاتحان فارسی‌زبان، زبان فارسی به‌عنوان زبان مادری و همچنین زبان دولتی در شبه قاره هند به شمار می‌رفت و برای مدت طولانیِ شش قرن، به عنوان زبان دولتی شبه قاره هند شناخته شد. باز هم زبان فارسی به زبان عملی روزمره جامعه تحصیل‌کرده این کشور تبدیل شد.

استفاده از زبان فارسی: زبانی که همه یاد گرفته بودند، از جمله در دربار و مکتوبات اداری، به قدری فراگیر شد که فارسی دیگر زبان خارجی محسوب نمی شد. زبان متغیر است. به‌تدریج به دلیل نفوذ کلمات زبان‌های دیگر و حتی به دلیل ترجیحات و استفاده خود گویندگان، تغییرات زیادی در زبان ایجاد می‌شود. زبان فارسی نیز از این قاعده مستثنی نیست. با این‌حال، زبان فارسی در شبه قاره هند به شکل باستانی خود باقی مانده است، بدون اینکه به اندازه‌ی ایران تغییر کند. زبان فارسی که در استان‌های مختلف ایران رواج دارد، از دیرباز از شکل کهن خود فاصله گرفته و شکل جدیدی به خود گرفته است. به همین دلیل است که تفاوت‌های زیادی بین فارسی کهن و فارسی جدید وجود دارد. زبان سنتی پارسی شبه قاره‌ی هند از این نفوذ فارغ است .

در این مقاله سعی خواهیم کرد نشان دهیم که هنوز برخی از تلفظ‌ها و روش‌های رایج در زبان فارسی در شبه قاره هند وجود دارد که در زمان ورود به این کشور به زبان فارسی بوده است و همچنین نشان خواهیم داد که زبان فارسی هنوز در شبه قاره به آن حالت اصلی باقی مانده است که از ایرانی‌ها دریافت کرده‌اند. این موضوع را به چهار قسمت تقسیم می‌کنیم:

۱. واو یا یای مجهول
۲. های آخر کلمه
۳. لاحقه(پسوند) نده ما قبل مکسور
۴. نون غُنّه

می‌دانیم که در ایران از واو و یای مجهول در فارسی معاصر استفاده نمی شود. هم اکنون هیچ تفاوتی در تلفظ بین کلمات «دور و دور» و «شیر و شیر» وجود ندارد. به این ترتیب ایرانی‌ها، های حرف آخر کلمه را با های غیرملفوظ تلفظ می‌کنند. به‌عنوان مثال، رفته و

خانه (تلفظ قدیمی رفتا و خانا.) و در حال حاضر نون غُنه نیز در زبان فارسی وجود ندارد. پس کلمات «جهان و چونین» با واج نون ملفوظ می‌شود نه با نون غنه که در شبه قاره رواج داشت.

ما سعی خواهیم کرد در پرتو متون ایرانی و غیر ایرانی از قدیم تا به امروز ثابت کنیم که تلفظ‌های شبه‌قاره‌ای فار سی منظم و قانون‌مند ا ست. فار سی‌زبانان امروزی از قوانین کهن فاصله گرفته‌اند و از قوانین جدید در زبان فارسی استفاده می‌کنند. اما چنین قوانین جدیدی در فارسی شبه‌قاره هند رواج ندارد. برعکس، آنان زبان فارسی را در پرتو قواعد کهن ادامه داده‌اند.

۱. واو یا یای مجهول

شمس‌الدین محمد قیس، نویسنده قرن هفتم ه.ق در زمان سلطنت اتابک ابوبکر بن سعد زنگی (۶۵۲-۶۲۸) به تحصیل ادبیات پرداخت. وی از معاصران شیخ سعدی بود. او کتابی به نام *المعجم فی معاییر اشعار العجم* نوشت.این کتاب درباره‌ی علم عروض و قافیه ا ست. این کتاب در کتابخانه‌ای به نام مجلس شورای ملی ایران نگهداری می شود. که شماره آن ۵۴۰۹۱ است. او ذیل تذکره حروف قافیه می‌گوید:

«ضمه ما قبل واو در لغت پارسی دوگانه بود: مشبعه و ملینه. مشبعه چنانکه ضمه حور و پور و ملینه چنانکه ضمه روز و یوز»(*المعجم فی معاییر اشعار العجم ص ۲۳۵)*

ذیل تذکره‌ای نکره(ناشناخته) می‌گوید:

و آن یایی است ملینه که در اواخر اسماء علامت نکره باشد. چنانکه اسپی خریدم و غلامی فروختم *(همان. ص. ۲۲۱)*

وقتی که حروف شرط و جزا را توضیح می‌دهد، می‌گوید:

«و آن یایی ا ست ملینه که در اواخر افعال معنی شرط و جزا دهد. چنانکه اگر بخوا ستی بدادمی اگر بفروختی بخریدمی» *(همان ص. ۲۲۱)*

در حال بیان حروف نفی می‌نویسد:

همای ملک تو مرغیست لاغر که از منقار او شد ملک فربی

هر آن کس که ترا بیند بپرسد که این خُرشید تابنده ست یا نی

(ایضا .ص. ۲۲۴)

۱- خواجه نصیرالدین طوسی از نویسندگان پارسی قرن هفتم ه.ق کتابی به نام *معیارالاشعار* تألیف کرده است که مشتمل بر شش جزو است. این کتاب در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران نگهداری می شود. به شماره مسلسل ۹۱۲۷۰. حضرت مولانا مفتی محمد سعدالله رامپوری مرادآبادی شرح این مطلب را به نام میزان افکار فی شرح معیارالاشعار نوشته است. تصحیح مولوی دکتر مظهر علی.(چاپ مرکز پژوهشی میراث مکتوب/ ایران) در فصل اول کتاب معیارالافکار که به عروض و قافیه می‌پردازد ذکر شده است :

«دوم اختلاف ردف و اختلاف بحروف متباعد ظاهر و قبیحتر بود. به آن سبب استعمالش کمتر اتفاق افتد. اما بحروف متقارب چنانکه در دور و شور و شیر و شیر که بکاردارند.»(*معیارالاشعار. ص. ۲۱۵)*

از این سخن معلوم می شود که واو بر دو نوع است: معروف و مجهول. نویسنده در بسیاری از جاهای این کتاب اظهاراتی می‌کند که نشان می‌دهد واو به نظر ایرانیان بر دو نوع بوده است. اگرچه در برخی مناطق ممکن است مجهول تلفظ نشود، با این‌حال، منشأ تلفظ این مجهول ایران است.

۲- یکی دیگر از کتاب های مهم عروض و قافیه، *معیار جمالی* است. (ت:۷۴۴ ه.ق). مؤلف، آن شمس بن سعید فخری اصفهانی است. وی این کتاب را به نام جمال‌الدین شیخ ابوا سحق بن محمد (۷۵۸ ه .ق) تقدیم کرده است. این کتاب در کتابخانه مجلس شورای ملّی نگهداری می‌شود که شماره آن ۷۴۳۱۹ است. نسخه‌ای از این نیز نزد مقاله‌نویس موجود است. نویسنده در بحث حرف قافیه، فصل دوم این کتاب گفته است:

بدان که الف و واو و یا از اشباع فتحه و ضمه کسره خیزد. و ضمه ما قبل واو و کسره ما قبل یا بر دوگانه است: مشبعه و ملینه و مشبعه را حرکت معروف گویند. و ملینه را حرکت مجهول نامند.*(معیار جمالی. ص. ۲۴)*

۳- در کتاب *مختصر وافی به قواعد علم قوافی* نوشته مولانا عبدالرحمن جامی که به آخرین شاعر قرون وسطی شهرت دارد (۸۹۸ ه.ق). ذکر صریح وجود دارد که واو و یا

بر دو گونه اســـت. در این کتاب که در کتابخانه مجلس شـــورای ملّی به شـــماره ۸۸۸۱ نگهداری می‌شود. ذیل بیان حرف ردف آمده است:

ردف در قافیه فارسی چون واو و یا باشد بر دوگونه است: معروف ومجهول. معروف آنست که ضمه و کسره ما قبل واو و یا اشباع تمام کرده باشند. چون پور و دیر و مجهول آن که اشباع نکرده باشد چون شور و شیر *(مختصر وافی به قواعد علم قافی ص ۱۳)*

مثل روز روشن است که در زمان شاعر سده های میانی، مولانا عبدالرحمن جامی، واو و یا بر معروف و مجهول تقسیم شده است که از قول مذکور او مشهود است. او صاف بسیار دیگری نیز وجود دارد که ادعای ما را تقویت می کند.

۴- عطاءالله بن محمود الحسینی، شاگرد مولانا عبدالرحمن جامی است. او کتاب دیگری شبیه به اثر استادش، به نام امیرعلی نوایی معروف به ذوالسانین نوشت به نام *رساله در علم قوافی*. او شاعری معروف و نویسنده کتاب‌های بسیاری به زبان‌های فارسی و تازی بود. این کتاب در کتابخانه مجلس شـــورای ملی نگهداری می شـــود. به شـــماره ۸۵۴۷۹. محقق موفق به نسخه‌ای از آن دست یافته است که در سال ۱۳۰۰ ه. ق نوشته شده است. در صفحه ۷ این کتاب واو و یا معروف و مجهول به دو قسمت تقسیم شده است:

بدانکه هر یک از واو و یا ردف معروف و مجهول می باشد. معروف انست که ضمه ما قبل واو و کسره ما قبل یا را اشباع کرده باشند مانند دور و دید و مجهول آنست که اشباع نکرده باشند مثل رود و بید *(رساله در علم قوافی. ص. ۷)*

۵- در این مرحله می‌توان نام کتاب دیگری را ذکر کرد: *رســـاله علم قافیه*. مؤلف نورالدین بن احمد بن عبدالجلیل شاعر معروف قرن نهم ه.ق است. گردآورنده آن محمد علی مصاحبی است و به نام امیرعلی تقدیم شده است. این کتاب در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. به شماره آن ۲۹۹۶۱ در حال بیان حرف ردف گفته :

واو و یای ساکن به‌اعتبار حرکت ما قبل بر دو گانه است. معروف و آن یایست که ضمه وکسره ما قبل ایشان مشبعه باشد یعنی سرگردانیده باشد چون حور دور پیر. و مجهول

و آن واو و یایی ست که ضمه و کسره ما قبل ایشان ملینه با شد یعنی نرم گفته شده همچون شور و گور و دیر وشیر *(رساله علم قافیه ص ۹)*

۶- یکی دیگر از کتاب‌های مهم تألیف شده در سال ۹۲۵ هجری قمری *مؤیدالفضلا* است که نویسنده این کتاب شیخ محمد خضری بن شیخ لاد دهلوی است و گردآورنده آن فتح محمد بن بهاءالدین قریشی عباسی مصطفی آبادی ۱۰۴۹ ه.ق) این کتاب در کتابخانه مجلس شورای ملی نگهداری می شود به شماره ۱۵۰۱۹. در این کتاب از واو و یا معروف به نام تازی و مجهول به فارسی نام برده شده است.

و یای تازی برای خطاب آید چنانکه کردی و یای فارسی برای تنکیری چنانکه مردی *(مؤیدالفضلا. ص.۲۷۷)*

۷- نویسنده *فرهنگ جهانگیری* جمال‌الدین حسین بن فخرالدین حسن شیرازی است. او امروز به عنوان عضدالدوله معروف شده. این کتاب در حدود سال ۹۹۴ هجری قمری نوشته شده است. نویسنده از ایران شناسان مشهور بود. او در دربار امپراتور اکبر مقام بالایی داشت. وی در زمان امپراتور جهانگیر به عنوان والی بیحار منصوب شد.

میرزا محمد حارثی بدخشی در کتاب تاریخ محمدی نوشته است. وی در سال ۱۰۳۵ ه.ق در آگرا درگذشت. او نگارش این کتاب را در ۱۰۱۷ ه .ق به سرپرستی امپراتور اکبر آغاز کرد. و در سال ۱۰۳۲ ه.ق به پایان رسید. در آن زمان امپراتور اکبر مرده بود. با تکمیل کتاب در زمان شاهنشاه جهانگیر، مؤلف با اشاره به نام جهانگیر آن را *فرهنگ جهانگیری* نامید و برای نگارش آن از حدود چهارصد و چهار کتاب کمک گرفت. در پایان کتاب به این موارد اشاره شده است. این کتاب در کتابشناسی ایران محفوظ است به شماره ۲۹۹۸۱ است. یک نسخه از آن توسط محقق کشف و ضبط شده است. نویسنده در مقدمه کتاب گفته است:

دوم یای تعجب است که اگر مخاطب حاضر باشد این یا را معروف خوانند و گویند مرد بدی و چه مرد بدی و اگر غائب بود این را مجهول خوانند و گویند مرد بدی و چه مرد بدی سوم یای خطاب است چنانکه گفتی آمدی. (*فرهنگ جلد ،۱ ص ۳۲*)

۸- یکی دیگر از فرهنگ‌های مهم فار سی *برهان قاطع* ا ست. نوی سنده این کتاب محمد حسین بن خلف تبریزی، ملقّب به برهان ا ست. این اثر در سال ۱۰۶۲ ه.ق تألیف و به عبدالله قطب‌شاه، فرماندار گلکندا، تقدیم شده ا ست. اگرچه میرزا غالب به نقد کتاب پرداخته است اما از اهمیت متن اصلی کم نمی‌شود. علاوه بر این، دانشمندانی مانند علی اکبر دهخدا، ابراهیم پور داوود، علی ا صغر حکمت و سعید نفی سی از این کتاب تمجید کرده‌اند. مؤلّف در ویرایش جدید، ا صلاحات برخی ا شتباهات نوی سنده ا صلی را ا ضافه می‌کند. ن سخه‌ای از کتاب(کتابت:۱۸۳۱م)به شماره م سل سل ۲۹۹۶۱ در کتابخانه ایران نگهداری می‌شود. او در مقدمه این کتاب درباره مجهول گفته است:

دیگر واو معروف و مجهول ا ست. و ماقبل اینها البته م ضموم می‌با شد و خود ساکن. اما معروف واوی ست که در تلفظ مفهوم می شود. همچو سور و دور و زلو و گلو و مانند آن. و اما مجهول اندکی می‌گردد همچو بور و هور و سبو و امثال آن. *(برهان قاطع، ص. ۲۸)*

۹- *فرهنگ رشیدی* یکی دیگر از فرهنگ‌های مهم فارسی است. نویسنده عبدالرشید بن عبدالغفور حسینی مدنی است. او ساکن سند پاکستان بود. این کتاب در سال ۱۰۵۴ ه.ق نوشته شده است. نویسندگانی از ایران و هند از این کتاب تمجید کرده‌اند. این کتاب با شماره م سل سل ۲۳۵۰ در کتابخانه مجلس شورای ملی نگهداری می‌شود. چاپ جدید آن به کوشش محمد عباس در تهران انتشار یافته است. ویراستار در ادامه به ارزیابی کتاب پرداخته است.

درمیان کتب لغت مستند و معتبر فارسی که بر اساس تحقیق و تتبع در آثار منظوم و منثور فصحای متقدم تصنیف شده بدون هیچ گمان فرهنگ رشیدی مهم‌ترین و مفصل و معتبرترین آنها است (*فرهنگ رشیدی دیباچه، ص. ۱۱)* در این کتاب گفته شده است:

باید دانست که حرف واو خواه در آخر خواه در وسط بود اگر ما قبلش ضم خالص باشد واو معروف گویند اگر خالص نباشد مجهول خوانند. *(همان ،ص.۲۵)*

۱۰- کتاب فرهنگ لغت دیگر *سراج‌اللغه* نام دارد. نویسنده آن سراج‌الدین علی خان آرزو اکبرآبادی ا ست. او ملک‌الشعراء ادبیات اردو ا ست. به گفته‌ی میرحسن، نویسنده *سحرالبیان*، پس از امیرخ سرو عالم بزرگ دیگری در ادبیات اردو دیده ن شده ا ست. او توانست سهم بزرگی در ادبیات فار سی دا شته با شد . این اثر در سال ۱۱۶۹ ه. ق نو شته شده ا ست. نوی سنده در جاهای مختلف این کتاب سعی در اثبات این دا شته که از نظر

ایرانی‌ها واو به دو ق سمت تق سیم می شود. آفرو شه. آمو سنی. اروس. الکوس آبریزان آزیربدن آویش وغیره.

۱۱- میر شـمس‌الدین فخری دهلوی کتابی به نام *حدایق‌البلاغه* در سـال ۱۱۸۳ ه. ق نوشته است. نویسنده از دانش‌پژوهان زبان فارسی بود. این کتاب برای مبتدیان به زبان فارسی در نظر گرفته شده بود. این کتاب به شماره مسلسل ۶۸۲۹۷ در کتابخانه مجلس شـورای ملی نگهداری می‌شـود و به نام *نهرالافاضـه* به زبان اردو ترجمه شـده. مترجم مولوی عبدالاحد است. این کتاب به تقسیم‌بندی واو و یا در فارسی می‌پردازد.

پو شیده نماند که در فار سی واو و یای ردف معروف و مجهول می‌آید. معروف آن ست که ضـمه ماقبل واو و کسـره ماقبل یا اشـباع داشـته باشـد مثل دور و پور دید و چکید. و مجهول آنست که بی‌اشباع باشد مثل زور و کور و بید و امید. *(حدایق البلاغه،ص. ۵۵)*

۱۲- میرزا محمد حسـن قاتل فریدآبادی (۱۲۳۳ ه.ق) در سـال (۱۲۰۶)کتابی به نام *شجرهٔالامانی* نوشت. همچنین او یکی از طرفداران کتاب درسی برای دانش‌آموزان فارسی ابتدایی بود. او در مورد واو و یا به طور مفصل به زبان فارسی بحث کرد. او یک پرسش‌گر شوخ بود. اگرچه در شبه‌قاره و ایران این تقسیم‌بندی را ندا شت در نو شته‌های خود به آن اشاره می‌کرد.

۱۳- میرزامحمد تقی خان مستوفی مورخ و دانشمند بزرگ ایرانی به «سپهر» شهرت داشت. او برادر همسر ناصرالدین شاه بود. این کتاب در کتابخانه ایران به شماره مسلسل ۲۰۷۶۵ نگهداری می شود که ن سخه‌ای از آن اکنون در د ست اینجانب ا ست. وی در مقدمه این کتاب گفته است:

۱۴- باید دان ست که در قوافی فار سیه خواه آن قافیه مردن بردن مفرد با شد. چون سرور و سریر مردن بردن زاید چون سوخت (براهین العجم، ص. ۲۹).

۱۵- میرزا ر ضاقلی‌خان هدایت یکی دیگر از شاعران و فرهنگ‌نویسان ایرانی است. وی کتاب تاریخی انجمن‌آرای نا صری را در سال ۱۲۸۶ ه.ق به نام نا صرالدین شاه تدوین کرد. . این کتاب برای همه قابل قبول است. متونی در مقاطع مختلف در ایران و شبه قاره نقل شده ا ست. دکتر بهمن اف شانی ت صحیح کرده و آن از پژوه شگاه علوم ان سانی و مطالعات فرهنگی منتشر شده. یک نسخه از آن در حال حاضر در مقابل من وجود دارد. وی در مقدمه‌ای این کتاب گفته است:

باید دانست که حرف واو خواه در آخر و خواه در وسط بود اگر ما قبلش ضمه خالص باشد واو معروف گویند و اگر خالص نبا شد مجهول خوانند. (*فرهنگ انجمن‌آرای نا صری، ص. ۲۳*)

کلمه یا خواه در وسط و خواه در آخر بود اگر ما قبلش کسره خالص باشد یای معروف گویند و اگر خالص نباشد مجهول خوانند. (*همان، ص. ۳۵*)

۱۶- کمال‌الدین سنجر عالم و نویسنده مشهور ایرانی بود. در جوانی از ایران به هندو ستان آمد. او پس از آمدن به اینجا ابتدا به شهرهای مختلف سفر کرد و سپس در سال‌های آخر زندگی به طور دائم در رامپور اقامت گزید. وی در سال ۱۳۲۹ ق از دنیا رحلت کرد. وی در سال ۱۲۹۲ ه.ق کتابی را به نام دستور سخن نوشت و به نام نواب سالار جنگ تقدیم کرد. وی در این کتاب درباره واو گفته است:

واو معروف آنست که در تلفظ مفهوم گردد چون سور و دور و زلو و گلو و واو مجهول آن ست که اندک مفهوم گردد چون کور بکاف عربی و گور بکاف فار سی. (*د ستور سخن، ص. ۵۳*)

۱۷- میرزامحمود خان سیف‌الدین عالم معروف م ستان بود. بعدا در بمبئی ساکن شد. در سال ۱۳۳۰ ه.ق کتابی به نام قند فار سی نو شت.در تحت تذکره حروف عامله گفته است:

یای وحدت یای زایده یای اضافت یای استمراری یای توصیفی یای علامت جمع یای علامت غائب یای تمنا یای بدل کسره یای تردید یای رابطه یای تعظیم و یای تحقیر را ازمجهول شمرده. (*قند فارسی ، ص .۳۸ تا ۷۸*)

۱۸- سید محمدعلی محقق ایرانی است که از ایران به هندوستان آمد و در دانشکده‌ای در حیدرآباد به مقام استادی رسید. او یک لغتنامه به نام فرهنگ نظام نوشت. این فرهنگ در چهار جلد نوشته شد، بسیاری از خردمندان و دانشوران هندوستان و ایران درباره‌ی آن از جملات زیبای ستایشی استفاده کرده اند و از این طریق ارزش کتاب را بسیار افزایش داده‌اند. مؤلف در مقدمه جلد اول می‌گوید:

شعرای زبان فار سی بع ضی از واوها و یاها را معروف می‌دانند و بع ضی را مجهول مثلا واو زور را مجهول می‌دان ند و واو لفظ بود را معروف و حال آن که هر دو در تلفظ ایران

م ساویند. و یای لفظ دیر را مجهول می‌دانند و یای لفظ پیر را معروف و حال آن‌که هر دو در تلفظ ایران مساویند. (*فرهنگ نظام حیدرآباد. ص ۵۹*)

۱۹- ب د ستور زبان فار سی کتابی ا ست از آقای ر ضا دایی جواد. این کتاب در سال ۱۳۴۰ قمری در تهران تجدید چاپ شد. نویسنده در این کتاب چنین شرح می‌دهد:

نون نفی نونیِ ست مفتوح که در ا صل نی بوده ا ست یا یای مجهول بر وزن چه و که . که بعدا کسره آنرا بفتحه بدل کرده‌اند. (*دستور زبان فارسی، ص. حاشیه ۴*)

با توجه به آنچه گفته شـــد، می‌توان گفت که در زبان فارســـی واو و یا دو نوع معروف و مجهول وجود دارد. چه یک متن فرهنگ یا یک کتاب یا دســـتور یا کتاب علم عروض و قافیه باشد، تا به امروز برعکس هیچ متنی نبوده است. اما در دویست و پنجاه سال اخیر در ایران گونهٔ معروف جای مجهول را گرفته ا ست. در نتیجه شاعران و نویسندگان این زمان تنها به‌عنوان معروف می‌نویسند و تفاوت‌های نو شته‌های خود را برجسته می‌کنند. اما قوانینی که قبلا ذکر شـــد از طریق این نوشـــته لغو نشـــدند. در نتیجه در منطقه هندو ستان، پاکستان، افغانستان، ترکستان، کرد ستان، با تفاوت‌های مناسبی باقی مانده است.

های آخر کلمه

یکی از مهم‌ترین مباحثی که در زبان فار سی مطرح می شود، تلفظ حرف «ها» ا ست. در قدیم‌ترین متون ایران صـــدای *ها* با ماقبلش زبر(مفتوح) خوانده می‌شـــد، اما طبق قوانین جدید حرف *ها* چه حرف ا صلی با شد چه ا ضافی چه صریح یا چه ضمنی، مقدم بر آن حرف *ها* ماقبلش زیر ا ست. اما این قاعده مبتنی بر قوانین قدیم نی ست. به همین دلیل جز در *فرهنگ نظام* در هیچ متن و د ستور زبانی نیامده ا ست. نویسندگان اخیر ایرانی اقرار کرده‌اند که تلفظ *ها* ماقبلش مک سور بر ا ساس قوانین جدید قانونی ا ست. در عین حال می‌گویند که خارج از قوانین کهن اســـت. این یک تلفظ جدید اســـت که به مکالمه عمومی اضافه شده است.

۱. نخستین درباره این در کتاب *معجم*... گفته شده است:

شخ صی از جمله ا ستادان شعرای عجم در تق سیم« ها» ا صلی و و صلی گفته ا ست که اصلی آنست که بی آن معنی خویش ندهد و وصلی آنست که کلمه را در اصل معنی بدان احتیاج نباشد. های شانه و بهانه اصلی است که اگر ها ی ساقط گردانند شان و بهان ماند و هیچ معنی ندهد و های کرانه و میانه و نشـــانه اصـــلی نیســـت از بهر آن که اگر های

بیندازند کران و میان و نشان ماند و همان معنی اول بدهد. بناء این کلمات بر فتح است و این ها ات در کل احوال از لفظ ســـاقطند. و جز دلالت حرکت ماقبل در معنی کلمه هیچ دخل ندارند .(*المعجم، ص. ۵۵۸*)

از عبارت فوق معلوم می شـــود که نزد پارســـی پژوهان قرن هفتم ه.ق، اگر آخرین حرف فارســـی *ها* بود، حرف قبلش مفتوح می شـــد، مانند خاما جاما و غیره. اما در زمان های اخیر همان خامِ جامِ و غیره تلفظ می شود.

۲. در کتاب *لسان‌القلم* آمده است:

«های و صلی بر دو نوع ا ست اول های سکت ا ست و این ها جز دلالت حرکت ماقبل را هیچ فایده ندهد. یعنی قاعده آن اســـت که آخر کلمه که متحرک باشـــد برای بیان آن حرکت حرفی الحاق می‌کنند.» (*لسان‌القلم، ص۲۸۱*)

از این بیان معلوم می‌شود که ممکن است نزد مؤلف حرف ها ماقبلش مکسور می‌باشد.

مولانا سیف‌الدین بخاری معروف به سیفی در سال ۸۹۲ ه.ق کتابی نو شت که به عروض سیفی شهرت یافت. در آن متن او درباره ها می‌گوید:

و اما های بیان حرکت آن هایی است که به آخر کلمه پیوندد تا دلالت کند بر آن که ماقبل ها متحرکست و آن حرکت یا فتحه بود همچو خنده و گریه و یا کسره بود همچوکه وچه (*مولانا سیف‌الدین بخاری معروف به سیفی عروض سیفی ص.۷*)

۴. بحث مفصلی در این‌باره در کتابی به نام فرهنگ جهانگیری آمده ا ست. م صنف بیان نمود که ها ماقبلش مفتوح می‌شود:

و آن هاییســـت که جز دلالت بر فتحه ماقبل در معنی کلمه هیچ دخل ندارد؛ مثل جامه و خامه و بنده و شکوفه(*فرهنگ جهانگیری، ص. ۵۵۲*)

در پرتو قواعد، ترکیبی از کلمات بسیاری ساخته است که پیش ازآم های ما قبلش مفتوح می شود.

۵. بحث تف صیلی درباره ی این مو ضوع در کتاب *برهان قاطع*، مطرح شده ا ست. نویسنده در آن توصیفی کرده است که تا آن زمان مرسوم بوده است به همین طریق در فرهنگ ر شیدی؛ *سراج‌اللغة*، *براهین‌العجم*؛ *انجمن آرای نا صری*؛ *نهج‌الادب* وغیره بحثی مذکور است که های ماقبلش مفتوح می‌شود.

لاحقه(پسوند) نده ما قبل مکسور

در زبان فارسی کلمه نده در آخر اسم فاعل اضافه می شود. و بر اساس قوانین کهن در شبه‌قاره هند و ایران این کلمه با مفتوح اضافه می شد. اما طبق قوانین اخیر ایران آنان مکسور می‌خوانند مثلاً کلمه پرنده را بر اساس قواعد قدیمی در شبه‌قاره هند «پاراندا» خوانده شود. و طبق قوانین جدید ایران می‌گویند پرندِه. می‌توان گفت که این قاعده در شبه‌قاره هند نیز قانونمند است. از طرفی قوانین جدیدی که در ایران به کار می‌رود، نشان از تنوع زبانی دارد و این مورد قبول مردم شبه‌قاره‌ی هند نیست.

اولین موردی که در این زمینه منقول شده از کتاب *مؤیدالفضلا* است.

بدان که اسم فاعل ماخوذ است از مضارع بحذف دال که علامت مضارع است و بزیادت لفظ انده بروزن زنده در آخر آن لفظ لیکن الف و صل ساقط شود لفظا وخطا و کسره آن ماقبل دهند بعد از ازاله حرکت ماقبل تا دلیل باشد بر حذف آن الف وصل چناچه از گوید گوینده و از زند زنده *(مؤید الفضلا، جلد ۲، ص. ۲۹۸)*

به همین جهت رضاقلی هدایت می‌گوید:

هرکه هست آفریده او بنده است

بنده در بند آفریننده است *(انجمن آرای ناصری، ص. ۵۹)*.

نون غنه

در ایرانی امروزی، زبان رایج فارسی همه جا نون نقطه استفاده می‌کند. آنها نون غنه معمولا قبول ندارند. اما استفاده از نون غنه در متون باستانی و در زبان فارسی رایج در شبه‌قاره‌ی هند مشاهده شده است . مثلا شمس قیس در المعجم می‌گوید:

و اما نون غیر ملفوظ هر نون که ماقبل آن ساکن باشد و در شعر به‌تحقیق آن احتیاج نبود در تقطیع ساقط آید. چنانچه چون نگارین روی او در شهر نیست که نون چون و نگارین از تقطیع ساقطند.

عبدالقهار در معجم بارها این قانون تکرار کرده است. محقق طوسی نوشته است:

و حرف‌های دیگر باشد که هم از ترکیب دو حرف حادث باشد. مثلا چنان‌که از ترکیب یکی از مد با غنه نون در لفظ دون و دان و دین باشد و امثال این افتد که بر وزن دو و دا و دی باشد. *(عروض همایون ۸۵، ص)*

ملاسیفی هم گفته است:

بدانکه هر نون ساکن که بعد از حرف مد باشد همچو لفظ چون و جان و چین، اگر درمیان مصراع واقع شود ساقط شود در تقطیع و اگر در آخر مصراع شود در حساب حرف ساکن باشد *(عروض سیفی، ص.۸)*

ملا عبدالرشید گفته است:

چون در آخر کلمه واقع شود و ماقبلش یکی از حرف علت با شد بطریق غنه متلفظ شود و چون زبان و دهان و گاهی در و سط نیز چون ن شاند و خواند و راند. *(فرهنگ ر شیدی، ص. ۲۱)*

رضاقلی هدایت نوشته:

و نونی که بغنه ملفوظ گردد به نون غنه نامیده شود و چنانکه لفظ زبان و زبون و زمین. و اعلان چنین کلمات نزد فـ صحای متاخرین بـ سیار قبیح ا ست. مگر در صورت م ضاف یا موصوف یا معطوف یا ملحق بضمیر و لفظ است شدن آنها. (*فرهنگ ا نجمن آرای ناصری، مقدمه، ص. ۳۳)*

نتیجه‌گیری

از بحث پیشین آ شکار می شود که موارد مذکور، در شبه‌قاره‌ی هند یعنی بنگلادش، هند و پاکستان به شکل باستانی خود حفظ شده است. به همین دلیل تمام کتاب‌های فارسی چه در اینجا و چه در هندو ستان با رعایت قوانین فوق نو شته شده ا ست. در عین حال، نویســندگان متأخر ایرانی، در تألیف کتاب‌های خود، به قدمت و تازگی این قاعده اشــاره کرده‌اند. شبه‌قاره‌ی هند هم‌چنان به فار سی صحبت کردن عادت دارد. آنها هم‌چنین در نو شته‌های خود از زبانی با رعایت کامل قوانین کهن ا ستفاده می‌کنند و به همین دلیل به نظر می‌ر سد که در ا شعار امیر خـسرو (شاعر بلبل پار سی شبه‌قاره‌ی هند) و هر شاعر دیگری در این سامان، کوشش برای تطبیق قواعد جدید فارسی اشتباه محض است.

فهرست منابع

جمال الدین حسین بن فخرالدین حسن شیرازی، فرهنگ جهانگیر ثمر هند پریس لکهنو ۱۲۹۳ ه ۱۸۷۶ ء
خواجه نصیرالدین طوسی. معیار الاشعار. مجلس شورای ملی ایران. شماره ۹۱۲۷۰
رضا دایی جواد، دستور زبان فارسی، تهران، ۱۳۱۳
سید محمد علی، فرهنگ نظام حیدرآباد

شمس الدین بن محمد قیس الرازی ، المعجم فی معاییر ا شعار العجم، مجلس شورای ملی ایران. شماره ۵۴۰۹۱

شمس بن سعید فخری اصفهانی، معیار جمالی، مجلس شورای ملی ایران. شماره ۷۴۳۱۹

شیخ محمد خضری بن شیخ لاد دهلوی، مؤیدالفضله مجلس شورای ملی ایران. شماره ۱۵۰۱۹

عبد القهار ابن اسحاق ،عروض همایون، تهران

عبد القهار، میزا ن الاوزان لسان القلم، تهران

عبدالرشید بن عبدالغفور حسینی مدنی، فرهنگ رشیدی، مجلس شورای ملی ایران. شماره ۲۳۵۰

عطاءالله بن محمود الحسینی، رساله در علم قوافی، مجلس شورای ملی ایران. شماره ۸۵۴۷۹

کمال الدین سنجر دستور، سخن، مجلس شورای ملی ایران. شماره ۲۳۱۴

محمد حسین بن خلف تبریزی، برهان قاطع مجلس شورای ملی ایران. شماره ۱۹۹۶۱

مولانا سیف الدین بخاری معروف به سیفی عروض سیفی،

مولانا عبدالرحمن جامی، مختصر وافی به قواعد علم قافی، مجلس شورای ملی ایران. شماره ۸۸۸۱

میر شمس الدین فخری دهلوی، حدایق البلاغه، مجالس شوره ملی ایران. شماره ۶۸۲۹۹

میرزا رضا قلی خان هدایت ،فرهنگ انجمن آرای ناصری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

میرزا محمد تقی خان مستوفی، براهین العجم، مجلس شورای ملی ایران. شماره ۲۰۷۶۵۰

میرزا محمود خان سیف الدین ، قند فارسی ،مظفری، بمبی ۱۳۴۲ ه

نورالدین بن احمد بن عبدالجلیل، رساله علم قافیه، مجلس شورای ملی ایران. شماره ۲۹۹۶۱